

یادداشت



سیدمجتبی طباطبایی

حقوقدان ورزشی

مرز بین سیاست

و ورزش کمرنگ شده است

در اساسنامه فیفا به صراحت، اصل بنیادین عدم مداخله دولت‌ها در امور فدراسیون‌های ملی مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، هیچ دولتی حق دخالت در ساختار، تصمیمات و عملکرد نهادهای فوتبالی را ندارد، چه رسد به آنکه در امور فدراسیون‌های سایر کشورها مداخله کند.

در این چهارچوب حقوقی، اظهارات اخیر دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، فاقد وجهت حقوقی بوده و بیش از آنکه مبتنی بر قواعد بین‌المللی فوتبال باشد، در بیان دیدگاه مصروف داخلی و توجیه سیاست‌های محل مناقشه ارزیابی می‌شود. چنین موضوعی نه‌تنها از منظر حقوقی بی‌اعتبار است، بلکه با روح حاکم بر استقلال نهادهای ورزشی نیز در تضاد آشکار قرار دارد.

براین مبنا، سلب حق حضور تیم ملی فوتبال ایران در رقابت‌های بین‌المللی از جمله جام جهانی و جایگزینی آن با تیمی دیگر، اساساً فاقد مبنای قانونی است. تنها فرض قابل تصور، انصراف داوطلبانه خود کشور از حضور در رقابت‌هاست که آن نیز در قالب «استنکاف» قابل بررسی بوده و در صورت استناد به دلایل امنیتی، نیازمند ارائه مستندات معتبر و قابل پذیرش در مراجع ذصلاح بین‌المللی خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین مزایای فوتبال نسبت به بسیاری از رشته‌های دیگر، تفکیک نسبی آن از مداخلات سیاسی است؛ اصلی که به‌عنوان یک ارزش بنیادین در ساختار فیفا نهادینه شده است. با این حال، عملکردهای اخیر مدیریت فیفا، بویژه در دوره ریاست جیانی اینفانتینو، این شائبه را ایجاد کرده که مرز میان سیاست و ورزش در برخی موارد کمرنگ شده است. نمونه بارز آن، نحوه برگزاری مراسم قرعه‌کشی و اعطای عنوانی موسوم به «جایزه صلح در ورزش» به رئیس جمهوری آمریکا بود که از منظر اصول بی‌طرفی، محل تأمل جدی است.

از سوی دیگر، سکوت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در قبال این‌گونه اظهارات، می‌تواند نشانه‌ای از ملاحظات سیاسی و وابستگی‌های اقتصادی و دیپلماتیک تلقی شود. به بیان دیگر، بسیاری از بازیگران بین‌المللی، منافع راهبردی خود را بر واکنش‌های صریح و اصولی ترجیح داده و از تقابلی با چنین موضوعی پرهیز می‌کنند.

اگرچه چهارچوب‌های حقوقی بین‌المللی به‌وضوح از استقلال فوتبال و عدم مداخله دولت‌ها حمایت می‌کند، اما بهره‌گیری مؤثر از این ظرفیت‌ها، مستلزم تقویت جایگاه بین‌المللی، انسجام مدیریتی و حضور فعال در ساختارهای تصمیم‌گیری جهانی است؛ امری که بدون اصلاحات داخلی، دست‌یافتنی نخواهد بود.

نگاه



علی اکبرمحمدزاده

رئیس اسبق کمیته‌اخلاق فدراسیون فوتبال

ترامپ صلاحیت مداخله

در جام جهانی را ندارد

نظام حقوقی حاکم بر فوتبال جهانی که توسط فیفا تنظیم می‌شود، صراحتاً بر این اصل استوار است که نتایج و سرزشت تیم‌ها باید در «مرکز مسابقه» و از طریق رقابت ورزشی تعیین شود. هر گونه اشاره به جایگزینی سیاسی تیم‌ها، با این منطق حقوقی و ساختار رقابت‌های بین‌المللی در تضاد است؛ به‌همین دلیل، چنین اظهاراتی از سوی مقامات ورزشی و دولتی اروپا اغبرقابل قبول یا حتی «فبرجودی» تلقی می‌شود.

این‌گونه اظهارات، نه‌اثر حقوقی در ساختار تصمیم‌گیری فیفا دارد و نه به‌تنهایی قابل تقسیم‌یه‌عنوان اقدام حقوقی خصمانه است؛ بلکه باید آن را بیشتر در حوزه «جنگ روایت‌ها»، فشار سیاسی و بهره‌برداری رسانه‌ای از ورزش تحلیل کرد؛ جایی که واکنش‌هایی مانند مواضع مقامات ایتالیا در دفاع از اصول حرفه‌ای و استقلال ورزش، کاملاً قابل انتظار است. موضوع حضور یا حذف یک تیم ملی از رقابت‌های جام جهانی، به‌طور کامل در چهارچوب مقررات نهادهای بین‌المللی فوتبال تعریف می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی به اراده یا تصمیمات یکجانبه دولت‌ها ندارد. مرجع صلاحیتدار در این زمینه، صرفاً فیفا است.

که به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر جهانی فوتبال، ضوابط دقیق صعود، حضور و حتی محرومیت تیم‌ها را در اساسنامه و این‌نهم‌های خود تعیین کرده است. در نظام حقوق بین‌الملل نیز اصل «عدم مداخله در امور داخلی» همچین اصل استقلال نهادهای غیردولتی بین‌المللی اقتضای می‌کند که دولت‌ها در تصمیمات سازمان‌هایی مانند فیفا دخالت نکنند. حتی در عمل، اگر دخالت دولت‌ها در امور فوتبال احراز شود، این امر می‌تواند موجب واکنش انضباطی فیفا -در جمله تعلیق فدراسیون آن کشور- شود. در خصوص اظهارات متناسب به ترامپ نیز باید تأکید کرد چنین مواضعی، حتی اگر در سطح سیاسی مطرح شوند، فاقد هر گونه اثر الزام‌آور حقوقی در ساختار تصمیم‌گیری فیفا هستند. نه رئیس جمهوری یک کشور و نه هیچ مقام سیاسی دیگری، صلاحیت مداخله در این فرآیند را ندارد. مفهوم «ماندندگی ملت» در این بحث، بیشتر توجیه‌دار سیاسی و رسانه‌ای است و در حقوق بین‌الملل به‌عنوان یک حق قابل استناد مستقیم شناخته نمی‌شود. آنچه از نظر حقوقی اهمیت دارد، «حق فرادادی و ورزشی فدراسیون عضو فیفا» است که پس از کسب سهمیه ایجاد می‌شود و سلب آن، صرفاً در چهارچوب مقررات فیفا امکان پذیر است. بنابراین، فشار یا اظهارنظر سیاسی دولت‌ها، فاقد اثر حقوقی در این زمینه بوده و نمی‌تواند مبنای حذف یک تیم از جام جهانی قرار گیرد. سکوت ستولان فیفا در چنین مواردی، از نگاه حقوقی بی‌هرزیه نیست؛ بلکه می‌تواند پیامدهای مهمی برای نظم حقوقی ورزش بین‌الملل داشته باشد. هنگامی که نهادهای مانند فیفا به‌عنوان متولی صیانت از قواعد فوتبال جهانی -در برابر اظهارات یا فشارهای سیاسی- حتی اگر غیررسمی باشند، موضعی شفاف و قاطع اتخاذ کنند، این برداشت شکل می‌گیرد که مرز میان «رقابت ورزشی» و «مداخله سیاسی» قابل انعطاف است.

سینا حسینی / آنچه این روزها در حاشیه رقابت‌های بین‌المللی فوتبال شنیده می‌شود، بیش از آنکه یک «شوخی زشت» باشد، نشانه‌ای نگران‌کننده از فرسایش تدریجی قواعدی است که سال‌ها ضامن نظم و اعتبار ورزش جهانی بوده‌اند. طرح ایده جایگزینی یک تیم ملی با تیمی دیگر-آن هم نه بر اساس شایستگی ورزشی، بلکه بر مبنای مداخلات سیاسی و نمایشی-اگرچه در نگاه اول مضحک و غیرقابل اعتنا به نظر می‌رسد، اما در لایه‌های زیرین خود حاصل پیامی جدی و هشداردهنده است:میل فراوان بی‌به‌اعتنایی نسبت به قانون.

این ایده که از سوی پائولو زامپولی مطرح شده و به نحوی با فضای سیاسی پیرامون دونالد ترامپ همخوانی دارد، بیش از هر چیز بازتاب‌دهنده نوعی رویکرد مبتنی بر «جنگال به شکل ابزار»

است. در این چهارچوب، هدف نه اصلاح یا بهبود ساختارها، بلکه تصاحب تیرهای خبری و نمایش قدرت در شکستن هنجارهاست. ال‌گویی که در سال‌های اخیر در عرصه سیاست جهانی بارها آزموده شده، اکنون به حوزه ورزش نیز سرایت کرده است.

این در حالی است که ساختارهایی چون فیفا اساساً برای جلوگیری از چنین بی‌نظمی‌هایی شکل گرفته‌اند. قوانین صریح و غیرقابل تفسیر در درباره نحوه صعود تیم‌ها، ترکیب مسابقات و حق میزبانی، دقیقاً با هدف حفظ عدالت و پیش‌بینی‌پذیری در رقابت‌ها تدوین شده‌اند. با این حال، سکوت معنادار جیانی اینفانتینو در قبال چنین اظهاراتی، این نگرانی را تشدید می‌کند که نهادهای ناظر نیز یا دچار انفعال شده‌اند یا در برابر فشارهای سیاسی،

غلامرضا رفیعی، کارشناس حقوق بین‌الملل ورزشی در گفت‌وگو با «ایران»:

رفتار ترامپ بدعت خطرناکی برای ورزش جهان است

نرفتن به جام جهانی به هیچ‌وجه به سود ایران نیست

مهری رنجبر / کارشناسان حقوقی و روابط بین‌الملل معتقدند اظهارات

دونالد ترامپ درباره تیم ملی فوتبال ایران فاقد وجهت قانونی است

و بیش از آنکه واقعیتی فوتبالی باشد، جنبه‌ای تبلیغاتی و رسانه‌ای دارد.

غلامرضا رفیعی، معاون اسبق حقوقی فدراسیون فوتبال، در گفت‌وگو با

اظهارات رئیس جمهوری ایالات متحده درباره حضور ایران در جام جهانی واکنش‌های گسترده‌ای به همراه داشت. آیا از منظر حقوقی تهدیدی متوجه تیم ملی ایران است؟

ترامپ از این‌گونه اظهارات بسیار دارد، اما نه، نه شورای اجرایی فیفا و نه حتی رئیس این نهاد، قادر به محروم کردن تیم ملی ایران از حق قانونی حضور در جام جهانی نیستند. تنها مرجع تصمیم‌گیرنده در این زمینه، کنگره فیفاست. خوشبختانه کنگره

فیفا که در روزهای آینده در کانادا برگزار می‌شود، هیچ دستورکاری برای حذف ایران ندارد. افزون براین، ایران آغازگر جنگ نبوده و مورد تهاجم قرار گرفته است. بنابراین احتمال حذف ایران از جام جهانی عملاً صفر است و حتی کشور میزبان نیز چنین اختیاری ندارد. آنچه در برخی رسانه‌ها مطرح می‌شود، بیشتر ناشی از ناآگاهی نسبت به حقوق بین‌الملل است.

واکنش حقوق‌دانان و سیاستمداران به اظهارات ترامپ گسترده بود؛ حتی برخی مقامات ایتالیا نیز او را به شدت سرزنش کردند.

وزاری اقتصاد و ورزش ایتالیا پاسخ مناسبی به ترامپ دادند. البته حتی بدون این واکنش‌ها نیز روشن بود که چنین ادعایی مبنای اجرایی ندارد. ایتالیایی‌ها به خوبی می‌دانند

غلامرضا رفیعی، کارشناس حقوق بین‌الملل ورزشی در گفت‌وگو با «ایران»:

رفتار ترامپ بدعت خطرناکی برای ورزش جهان است

نرفتن به جام جهانی به هیچ‌وجه به سود ایران نیست

مهری رنجبر / کارشناسان حقوقی و روابط بین‌الملل معتقدند اظهارات

دونالد ترامپ درباره تیم ملی فوتبال ایران فاقد وجهت قانونی است

و بیش از آنکه واقعیتی فوتبالی باشد، جنبه‌ای تبلیغاتی و رسانه‌ای دارد.

غلامرضا رفیعی، معاون اسبق حقوقی فدراسیون فوتبال، در گفت‌وگو با

نه ترامپ، نه رئیس فیفا و نه شورای این نهاد، اختیار چنین تصمیمی را ندارند. با این حال، خطر واقعی کناره‌گیری احتمالی خود ایران از جام جهانی است، چراکه انصراف، با محرومیت‌های سنگین همراه خواهد بود. همان‌طور که قوانین اجازه حذف ایران را به دیگران نمی‌دهد، در مقابل اختیارات گسترده‌ای به ارکان قضایی فیفا داده شده تا در صورت انصراف یک تیم، مجازات‌های جدی اعمال کنند.

برخی معتقدند در چنین شرایطی، حضور ایران در جام جهانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

به نظر من، تیم ملی باید در مسابقات شرکت کند. نکته تأسف‌بار این است که در صورت عدم حضور ایران، احتمال دارد از طریق سازوکارهای چندجانبه، تیمی مانند امارات جایگزین شود. این موضوع به‌هیچ‌وجه به سود ورزش ایران نیست. هرچند در حقوق بین‌الملل عمومی نوعی بی‌نظمی دیده می‌شود، اما در حقوق ورزش، قانون همچنان قدرتمند و بازنارنده است و کسی جرأت حذف ایران را ندارد.

برخی کارشناسان این رفتار ترامپ را نوعی رسوایی میزبان جام جهانی ۲۰۲۶ می‌دانند.

روابط خصمانه آمریکا و ترامپ با ایران بر

انعطاف‌پذیری عجیبی از خود نشان می‌دهند. جام جهانی، به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی جهان، نه صرفاً یک تورنمنت ورزشی، بلکه نمادی از همگرایی ملت‌ها بر پایه قواعد مشترک است. هرگونه خدشه به این قواعد، در واقع ضربه‌ای مهلک و غیر قابل جبرن به مفهوم «رقابت عادلانه» است. اگر قرار باشد میزبانی یک کشور بهانه‌ای برای بازتعریف قوانین یا روز رذن آنها شود، به هیچ وجه دیگر نمی‌توان از «رقابت سالم ورزشی» سخن گفت، بلکه باید آن را به نمایشی شوم از اراده سیاسی تقلیل داد. نکته نگران‌کننده‌تر، عادی‌سازی این نوع رفتارهاست. هنگامی که ایده‌هایی از این دست در سطح رسانه‌ای مطرح و بدون واکنش قاطع رها می‌شوند، به تدریج مرز میان «غیرممکن» و «قابل بررسی» کمرنگ می‌شود. این همان

نقطه‌ای است که فروپاشی نرم قواعد آغاز می‌شود؛ نه با یک تصمیم ناگهانی، بلکه با انباشت ایده‌هایی که پیش‌تر غیرقابل تصور بودند.

تحلیلگران بسیاری بر این باورند که چنین رفتارهایی بخشی از یک الگوی گسترده‌تر است؛ الگویی که در آن قدرت‌های سیاسی می‌کوشند قواعد بین‌المللی را نه به‌عنوان چهارچوبی الزام‌آور، بلکه به شکل ابزاری انعطاف‌پذیر و قابل دستکاری ببینند. نتیجه چنین نگاهی، چیزی جز حرکت به سمت «قانون جنگل» در عرصه‌های جهانی نیست جایی که نه عدالت، بلکه میزان نفوذ و قدرت تعیین‌کننده است.

اگر این روند خطرناک خیلی زود مهار نشود، آنچه در معرض خطر قرار می‌گیرد صرفاً یک تورنمنت یا یک رشته ورزشی نیست، بلکه کل

سازوکار اعتماد در رقابت‌های جهانی است. ورزشی که زمانی زبان مشترک ملت‌ها بود، ممکن است به صحنه‌ای برای نمایش بی‌پروای قدرت تبدیل شود؛ جایی که قواعد، نه اصولی ثابت، بلکه موانعی موقت تلقی می‌شوند. در چنین شرایطی، مسئولیت نهاد‌های بین‌المللی، رسانه‌ها و افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری سنگین است. سکوت، در این مقطع، نه نشانه بی‌اهمیتی، بلکه حکم تأیید ضمنی تعبیر خواهد شد. اگر قرار است اعتبار موضوعی روشن، قاطع و مبتنی بر اصول اتخاذ شود. در غیراین صورت، فروپاشی نظم موجود نه یک احتمال دور، بلکه واقعیتی نزدیک خواهد بود.



www.fifa.com.عکس

اظهارات ترامپ تکرارپذیر نیست، چراکه هیچ اقدام عملی برای محرومیت ایران صورت نگرفته است. اگر چنین مداخله‌ای به حذف ایران منجر می‌شد، می‌توانست به‌عنوان یک بدعت خطرناک تلقی شود

می‌یابد. افکار عمومی جهانی و ساختار حقوق ورزش هنوز از کارآمدی برخوردارند.

راهکار مقابله با این‌گونه رفتارها چیست؟ اساسنامه فیفا و کمیته بین‌المللی المپیک به‌گونه‌ای تنظیم شده که از بروز چنین مداخلاتی جلوگیری کند. اگر آمریکا میزبان جام جهانی شود، شاید امکان طرح موضوع محرومیت این کشور در کنگره فیفا وجود داشت، اما میزبانی، دامنه اختیارات را محدود کرده است. تغییر میزبانی نیز فرآیندی پیچیده

و زمانبر است. هرچند نمی‌توان انکار کرد که برخی تصمیمات، مانند محرومیت روسیه، تحت تأثیر فشارهای سیاسی اتخاذ شده‌اند، اما سازوکارهای حقوقی موجود به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که مانع از حذف کاروان ایران در المپیک ۲۰۲۸ شوند.

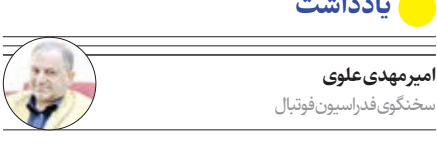
با این حال، فیفا در موقعیتی نیست که همان الگورا درباره آمریکا اجرا کند، به‌ویژه اینکه این کشور میزبان مسابقات است. در نهایت، تصمیم‌گیری نهایی همچنان در اختیار کنگره فیفاست.

آیا ممکن است در المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس نیز چنین رفتارهایی تکرار شود؟

احتمال چنین اتفاقی بسیار اندک است. شورای المپیک اجازه چنین اقدامی را نخواهد داد و حتی طرح چنین موضوعی می‌تواند به سلب میزبانی از آمریکا منجر شود. البته نمی‌توان به‌طور قطعی موجود به‌گونه‌ای کرد، اما پس از آغاز روند اجرایی، احتمال بروز چنین اقداماتی کاهش

حمله به همگرایی ملت‌ها

یادداشت



امیرمهدی علوی

سخنگوی فدراسیون فوتبال

این پرسش جدی مطرح است که آیا کشور میزبان، یعنی آمریکا، توان تأمین امنیت مسابقات را دارد یا خیر؟ چند سال پیش، در جریان برگزاری رقابت‌های فوئسال امیدهای آسیا در ارومیه، ۱۸ وزارتخانه برای برگزاری این رویداد در سطح بین‌المللی تضمین‌های لازم را ارائه کردند. آن‌وقت چگونه است که رئیس جمهوری آمریکا از نبود امنیت برای جام جهانی سخن می‌گوید؟

آقای ترامپ، فوتبال را آلوده نکند. مگر می‌شود کشوری میزبان جام جهانی باشد و هم‌زمان درگیر تنش‌های نظامی و بحران‌های امنیتی شود؟ در جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک، یکی از معماران سیاست خارجی نوین آمریکا او حتی دو سال پیش از انتخاب مکزیک، با صراحت گفت که در فوتبال دانشی ندارد، هرچند در سیاست خارجی صاحب‌نظر است. با این حال، تفاوت در این است که او به ناآگاهی خود واقف بود، اما ترامپ در این حوزه نیز بی‌پروا اظهار نظر می‌کند.

به تعبیر فرید ذکریا، از برجسته‌ترین تحلیلگران سیاست خارجی، ترامپ خواهان جهانی است که در برابرش سر تعظیم فرود آورد؛ حال آنکه هنوز نقاطی از جهان وجود دارند که چنین نخواهند کرد.

در ماه‌های اخیر، مرز میان سیاست و ورزش — به‌ویژه در فوتبال — به شکلی تکران‌کننده تضعیف شده است؛ مرزی که فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) همواره کوشیده با وضع مقررات سختگیرانه از آن پاسداری کند. در این میان، اظهارات دونالد ترامپ درباره احتمال حذف تیم ملی ایران از رقابت‌های بین‌المللی، نمونه‌ای روشن از تلاش برای سیاسی‌سازی عرصه‌ای است که ذاتاً باید ورزشی باقی بماند. فوتبال، به‌عنوان پرمخاطب‌ترین ورزش جهان، صرفاً یک سرگرمی نیست؛ بلکه بستری برای همگرایی ملت‌هاست. از همین رو، قوانین فیفا هرگونه مداخله دولت‌ها در

امیرمهدی علوی

سخنگوی فدراسیون فوتبال

این پرسش جدی مطرح است که آیا کشور میزبان، یعنی آمریکا، توان تأمین امنیت مسابقات را دارد یا خیر؟

چند سال پیش، در جریان برگزاری رقابت‌های فوئسال امیدهای آسیا در ارومیه، ۱۸ وزارتخانه برای برگزاری این رویداد در سطح بین‌المللی تضمین‌های لازم را ارائه کردند. آن‌وقت چگونه است که رئیس جمهوری آمریکا از نبود امنیت برای جام جهانی سخن می‌گوید؟

آقای ترامپ، فوتبال را آلوده نکند. مگر می‌شود کشوری میزبان جام جهانی باشد و هم‌زمان درگیر تنش‌های نظامی و بحران‌های امنیتی شود؟ در جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک، یکی از معماران سیاست خارجی نوین آمریکا او حتی دو سال پیش از انتخاب مکزیک، با صراحت گفت که در فوتبال دانشی ندارد، هرچند در سیاست خارجی صاحب‌نظر است. با این حال، تفاوت در این است که او به ناآگاهی خود واقف بود، اما ترامپ در این حوزه نیز بی‌پروا اظهار نظر می‌کند.

به تعبیر فرید ذکریا، از برجسته‌ترین تحلیلگران سیاست خارجی، ترامپ خواهان جهانی است که در برابرش سر تعظیم فرود آورد؛ حال آنکه هنوز نقاطی از جهان وجود دارند که چنین نخواهند کرد.

در ماه‌های اخیر، مرز میان سیاست و ورزش — به‌ویژه در فوتبال — به شکلی تکران‌کننده تضعیف شده است؛ مرزی که فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) همواره کوشیده با وضع مقررات سختگیرانه از آن پاسداری کند. در این میان، اظهارات دونالد ترامپ درباره احتمال حذف تیم ملی ایران از رقابت‌های بین‌المللی، نمونه‌ای روشن از تلاش برای سیاسی‌سازی عرصه‌ای است که ذاتاً باید ورزشی باقی بماند. فوتبال، به‌عنوان پرمخاطب‌ترین ورزش جهان، صرفاً یک سرگرمی نیست؛ بلکه بستری برای همگرایی ملت‌هاست. از همین رو، قوانین فیفا هرگونه مداخله دولت‌ها در